

مطالعه تطبیقی - تحلیلی مسجد جامع گز به استناد نویافته‌های مرمتی

عباسعلی احمدی*

استادیار باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۶/۳۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۹/۳)

چکیده

با توجه به مرمت‌های سالیان اخیر مسجد جامع گز و متعاقب آن زدودن برخی الحاقات دوره معاصر که در نتیجه آن فضاها، تزیینات و اشکال جدیدی از بنا هویدا گردید، اطلاعات تازه‌ای از گاه‌نگاری و مراحل توسعه این بنا مشخص گردید؛ بر همین اساس پژوهش حاضر که به روشی توصیفی - تطبیقی - تحلیلی بر پایه بررسی‌های میدانی و بهره‌گیری از مطالب متون انجام شده، بر آن است تا منظر تازه‌ای از گاه‌نگاری، مراحل توسعه، ویژگی‌های معماری، تزیینی و خصوصیات سبک‌شناختی بنا را مشخص کند. در نتیجه تحقیق مشخص گردید که بنای اولیه از نوع مساجد ستون‌دار بوده و به دوره آل بویه تعلق داشته است. در دوره سلجوقی مناره‌ای به مسجد افزوده گشته و همانند مسجد جامع اصفهان و اردستان در هر ضلع صحن چهار ایوان ایجاد شده و به مسجیدی چهارایوانی تبدیل می‌گردد. به احتمال زیاد چهار ایوان مسجد به طور همزمان ایجاد شده و به دنبال آن در مقایسه با سایر مساجد چهارایوانی سلجوقی، مسجیدی با خصوصیات سبکی ویژه و متفاوت را به وجود آورده است. در دوره صفوی به دستور شاهان صفوی و بدست معماران توانمند این دوره تعمیرات، ساختمان‌سازی‌ها و تزیینات الحاقی و اساسی در بنا صورت گرفته است. روند مرمت و ساختمان‌سازی بنا از دوره قاجار تا به امروز نیز تداوم داشته است.

واژه‌های کلیدی

آل بویه، سلجوقی، گز، مسجد ستون‌دار، مسجد چهارایوانی.

* تلفن: ۰۲۸۱-۴۴۲۴۴۰۱، شماره: ۰۲۸۱-۴۴۲۴۴۱۱، E-mail: a.ahmadi197756@yahoo.com

مقدمه

توضیحاتی تنها به سلجوقی بودن بنا اشاره کرده است (گدار و دیگران، ۱۳۸۵، ۲۸۹). دونالد ویلبر از دیگر محققانی است که در کتاب معماری دوره اسلامی ایران در دوره ایلخانان تنها به ایوان غربی مسجد توجه داشته و آن را بنایی متعلق به دوره ایلخانی معرفی کرده است (Wilber, 1955, 150-151) و در نهایت لطف الله هنرفر در اثر گرانقدر خود بدون اشاره به خصوصیات تزئینی و معماری مسجد، به خواندن اکثر خطوط و کتیبه‌های بنا پرداخته و آن را مسجیدی سلجوقی با تعمیرات دوره‌های صفوی و قاجار معرفی کرده است (هنرفر، ۱۳۵۰، ۱۸۷-۱۹۲). در جریان مرمت‌های سالیان اخیر مسجد که تا به امروز نیز ادامه دارد، ساختار، تزئینات و زوایای جدیدی از بنا هویدا گردید که در نتیجه مرمت‌ها و ساختمان‌سازی‌های دهه‌های گذشته از نظرها پنهان گشته بود. در مقاله حاضر سعی بر آن است تا با توجه به یافته‌های اخیر و بررسی‌های میدانی در سطح بنا، نکات تازه‌ای پیرامون گاه‌نگاری، مراحل توسعه، ساختمان‌سازی، فرم، معماری و سبک‌شناسی بنا در دوره‌های مختلف به ویژه دوره سلجوقی به عنوان یکی از دوره‌های اثرگذار در تاریخ معماری ایران و جهان اسلام به طور اعم و تاریخ معماری مساجد به طور اخص، مشخص شود.

مساجد در تاریخ معماری اسلامی به دلیل بهره‌مندی از مشخصه‌های ویژه همچون مطرح بودن به عنوان مهم‌ترین رکن مذهبی جامعه مسلمان و نقطه کانونی گسترش شهرها و روستاها، همواره تأثیرات شگرفی بر مشخصات سبک‌شناختی، معماری، شکل‌گیری و چگونگی و نحوه گسترش مجموعه‌های شهری و معماری داشته است؛ از این رو، ویژگی‌های اساسی معماری و شاخص‌ترین آثار هر عصر عمدتاً در این بناها ظهور و بروز می‌یافته است. بدیهی است که مطالعه و واکاوی دقیق این آثار در روشن شدن موارد ذکر شده اهمیتی انکارناپذیر دارد. یکی از اقدامات اولیه جهت نیل بدین مقصود، شناخت صحیح تاریخ معماری و سبک‌شناختی این بناها است. مسجد جامع گز واقع در طول جغرافیایی ۳۷° ۵۱' و عرض جغرافیایی ۴۸° ۳۲' در ۱۷ کیلومتری شمال اصفهان، از نمونه مساجدی است که با وجود ویژگی‌های خاص تاریخی، معماری، سبک‌شناختی و جغرافیایی تاکنون به شکل صحیح مورد بررسی و تاریخ‌گذاری قرار نگرفته است. این مسجد که از لحاظ نوع طرح و پلان جزء مساجد چهارایوانی طبقه‌بندی می‌شود و در اکثر منابع به عنوان اثری از دوره سلجوقی معرفی گردیده، برای اولین بار مورد توجه آندره گدار قرار می‌گیرد؛ وی بدون ارائه هر گونه توصیف و

۱- روش تحقیق

مطالعات مرتبط با تاریخ معماری و شهرسازی عمدتاً با نگرش‌های گوناگونی همچون نگرش تاریخی، معمارانه، هنرشناسانه، باستان‌شناسانه و تشبیهی به انجام رسیده است (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۶، ۲۱-۳۳). در این نگرش‌ها به شیوه‌های فرهنگ‌نامه‌ای، تفسیری، ترکیبی، گونه‌شناسی و تک‌نگاری، اطلاعات بررسی و بیان شده است (همان، ۱۰۵-۱۲۱). در تحقیق حاضر که با نگرشی باستان‌شناسانه و به شیوه تک‌نگاری انجام گردیده، روش مورد استفاده توصیفی-تطبیقی-تحلیلی است؛ بدین منظور ابتدا بررسی میدانی بنا و مطالعه منابع مکتوب مرتبط با موضوع تحقیق شامل متون جغرافیایی و تاریخی قرون متقدم و میانه، سفرنامه‌ها، متون جغرافیایی محلی و برخی تواریخ دوران صفوی و قاجار به عنوان داده‌های خام صورت‌گرفته است و در ادامه با توجه به آن که یکی از روش‌های مناسب گاه‌نگاری، شناخت فضاهای معماری و درک شکل کالبدی و سبک شناختی یک اثر، مطالعه تطبیقی آن است؛ عناصر تزئینی و معماری مسجد با سایر بناها، به ویژه مساجد سلجوقی ناحیه اصفهان مقایسه گردیده است. در پایان به منظور پاسخ‌گویی به سوالات اصلی تحقیق، اطلاعات حاصل از دو مرحله پیشین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۲- پیشینه تاریخی

بررسی متون جغرافیایی و تاریخی نشان‌دهنده آن است که گز در طول ادوار تاریخی یکی از سکونتگاه‌های منطقه برخوردار اصفهان بوده و به عنوان مرکز این ناحیه از اهمیت بسیار برخوردار بوده است. گز به عنوان یکی از مهم‌ترین منزلگاه‌های قافله‌ها و مسافران قبل از ورود و خروج به اصفهان مطرح بوده (احمدی، ۱۳۸۵، ۸۳) و در دوران قبل از اسلام جایگاه آتشکده زروان اردشیر بوده است (اصفهانی، ۱۳۴۶، ۳۸، ۹۴-۹۳، Sirox, 1967). در منابع قرون سوم و چهارم هجری قمری تا دوره صفوی، برخوردار یکی از رستاق‌ها و نواحی اصفهان معرفی شده (ابن خردادبه، ۱۳۷۰، ۷۰؛ یعقوبی، ۱۳۴۳، ۵۰؛ ابن رسته، ۱۳۶۵، ۱۸۲؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹، ۹۸؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶، ۱۰۷؛ یاقوت حموی، ج ۲، ۱۹۵۷، ۱۳۳ و ۱۳۴؛ مستوفی، ۱۳۶۲، ۵۰) و در دوره صفوی و قاجار، برخوردار جزء محال و بلوک اصفهان بوده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴، ۲۴۱؛ الاصفهانی، ۱۳۶۸، ۲۹۹-۳۰۳). اگرچه گز همواره بر کنار شاهراه اصفهان - ری که شمال و جنوب کشور را به هم متصل می‌نمود قرار داشت، ولی در متون گذشته در ارتباط با مسجد جامع آن مطلبی ذکر نشده است؛ با این وجود در برخی از متون قرن سوم و چهارم ه. ق مطالبی وجود دارد که حاکی از وجود مساجد بی‌شمار دارای منبر و خطیب در برخوردار بوده که به احتمال قریب به یقین در

اسماعیل صفوی از خواجه صدرالدین از صاحب منصبان هرات (عالم آرای صفوی، ۱۳۵۰، ۱۹۵)، نبرد سپاهیان صفوی با اشرف افغان در شهر گز (لاکهارت، ۱۳۴۳، ۱۸۴)، محاصره طولانی مدت گز بدست افغان‌ها (گیلاننتر، ۱۳۴۴، ۹۸)، دیدار نادر با شاه طهماسب سوم صفوی در گز (پردولاماز، ۱۳۷۰، ۱۲۱ و ۱۲۲) و سرانجام استقبال درباریان و اعیان از فتحعلی‌شاه قاجار در گز را باعث شده (هدایت، ۱۳۷۳، ۴۱۷)، اشاره‌ای به مسجد جامع گز نشده است؛ با این وجود مشخص است که بنا در این دوره داخل برج و باروی مستحکم شهر قرار داشته است (کرو سینسکی، ۱۳۶۳، ۷۱-۷۷).

۳- تشریح پلان و تزیینات

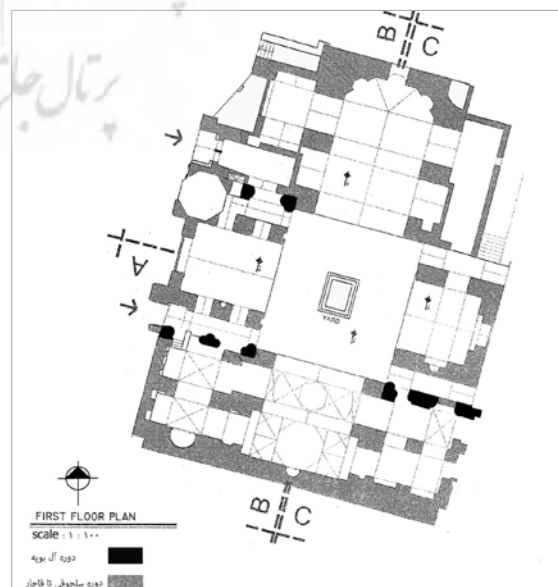
مسجد جامع گز از لحاظ سبک و پلان از زمره مساجد چهارایوانی محسوب می‌شود (تصاویر ۱ و ۳). ورودی اصلی آن در گوشه شمال غربی واقع شده و دارای تزیینات آجرکاری، کاشی‌کاری و مقرنس‌های گچی است. ورودی از طریق راهرویی با زاویه ۹۰ درجه، به صحن مسجد راه می‌دهد. مسجد دارای صحن تقریباً مربع شکل با ابعاد ۱۱ × ۱۲ متر است که پیرامون آن چهار ایوان واقع شده، این حیاط تشکیل دهنده صحن اصلی و قدیمی بنا است. طی ساختمان‌سازی‌های دهه‌های اخیر دو صحن دیگر در فضای پشت ایوان شرقی احداث گردیده که به همراه ساختمان‌های پیرامونی شامل رواق‌ها و شبستان زیرزمینی تا حدودی موجب مخدوش شدن اصالت و هویت معماری اثر شده است (تصویر ۲).

شبستان‌های کهن مسجد شامل دو شبستان ستون‌دار طرفین ایوان رو به قبله (ایوان جنوبی) است. در دیوار قبله شبستان غربی یک محراب گچی ساده وجود داشته و در فاصله قسمت داخلی دیوار مابین شبستان شرقی و راهروی جنوبی ایوان شرقی، آثار سه ستون

مورد گز به عنوان یکی از مراکز اصلی این ناحیه نیز مصداق می‌یافته است؛ به عنوان مثال ابن حوقل از جغرافی‌دانان قرن چهارم ه. ق.، بر خوار را یکی از روستاهای پیرامون اصفهان معرفی کرده و اشاره کرده که این روستاها ضمیمه‌های بزرگ پرجمعیت و غلات فراوان دارند و برخی منبر و خطیب و بازارها و گرمابه‌ها نیز دارند (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ۱۰۶ و ۱۰۷). وی همچنین بر خوار را یکی از دو ناحیه بزرگ اصفهان برشمرده است (همان، ۱۰۹ و ۱۱۰). این اشاره نکته حائز اهمیتی است زیرا که یکی از ویژگی‌های مهم شهر در قرون نخستین هجری، داشتن مسجد جامع، منبر و خطیب بود و بر پایه تعریف فقها، سکونت‌گاهی شهر محسوب می‌شد که از نظر جمعیت و نهاد‌های اجتماعی و مذهبی در حدی بود که می‌توانست مسجد جامع و منبر داشته باشد^۱ (سلطانزاده، ۱۳۶۵، ۲۲۹). از طرف دیگر با توجه به بررسی‌های باستان‌شناسی، بناهای موجود و مطالب متون، گز یکی از مراکز مهم و به نوعی بزرگ‌ترین سکونت‌گاه منطقه بر خوار از دوران قبل از اسلام تا دوران قاجار محسوب می‌شده است؛ حمدالله مستوفی در ذکر بلاد عراق عجم به اصفهان اشاره کرده و بر خوار را به عنوان یکی از نواحی هشتگانه آن معرفی می‌کند: «... پنجم ناحیت بر خوار است سی و دو پاره دیه است و دیه جز (معرب گز) معظم قرای آن و این ناحیت را نیز آب از کارباز است و دیگر نواحی از زنده رود بدین ناحیت بدیه جز بهمن اسفندیار آتش خانه ساخته بود... و این دیه‌ها را که معظم قرای می‌خوانیم از آنها است که در دیگر ولایت شهر خوانند، زیرا که در هر یک از آن دیه‌ها کما بیش هزار خانه باشد بازار و مساجد و مدارس و خانقات و حمامات دارد» (مستوفی، ۱۳۶۲، ۵۰). اهمیت و مرکزیت مذهبی گز در قبل از اسلام و شهر بودن و وجود مساجد متعدد در خلال قرن ۸ ه. ق در گز، از موارد قابل دریافت از نوشته‌های مستوفی است. در منابع دوره صفوی و قاجار به رغم اهمیت راهبردی گز که باعث وقوع پاره‌ای از وقایع همچون استقبال درباریان شاه



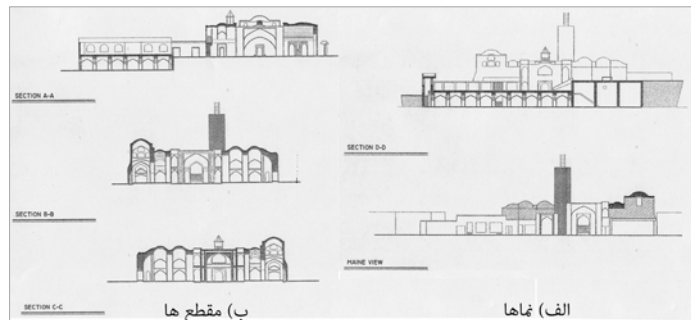
تصویر ۲- پلان همکف ساختمان‌های کهن و جدید مسجد جامع گز. ماخذ: (مرکز اسناد میراث فرهنگی استان اصفهان)



تصویر ۱- نقشه طبقه همکف بخش کهن مسجد جامع گز. ماخذ: (مرکز اسناد میراث فرهنگی استان اصفهان با اصلاحات)



تصویر ۴- ایوان‌های غربی، شمالی و شرقی مسجد جامع گز از درون ایوان جنوبی.



تصویر ۳- نما و مقطع‌های مسجد جامع گز. ماخذ: (مرکز اسناد میراث فرهنگی استان اصفهان)



تصویر ۷- کتیبه زیرلچکی ایوان غربی مسجد جامع گز.



تصویر ۶- نمای خارجی ایوان غربی مسجد جامع گز.



تصویر ۵- نمای خارجی و منار مسجد جامع گز.

گلدانی ساده منتهی می‌شود. اندکی بالاتر از شروع پاکار قوس طاق ایوان، بقایای کتیبه کوفی در دو ردیف دیده می‌شود که حروف آن به جنس کاشی فیروزه‌ای بر زمینه گچی بوده و نشان‌دهنده آن است که طاق ایوان در دوره متاخری اندکی پایین‌تر از طاق اولیه ایجاد شده است (تصویر ۷).

در این کتیبه، تنها کلمه «الله» قابل شناسایی بوده و به نظر می‌رسد شامل آیات قرآنی بوده که سرتاسر لبه داخلی قوس طاق را می‌پوشانده است. در دیوارهای جنوبی و شمالی ایوان در هر طرف دو درگاه وجود دارد که به راهروهای طرفین راه می‌یابد. سطوح داخلی این درگاه‌ها با توبی‌های گچی ته‌آجری ولچکی‌هایی با نقوش آجری گره‌بندی به همراه لوحه‌های آجری مدور تزیین گردیده است. سطح داخلی این چهار لوح دارای کتیبه‌های کوفی آجری بوده که یکی در بردارنده جمله «لا اله الا الله»، دیگری «لا شریک له محمد رسول الله» و کتیبه‌های دو لوح دیگر شامل کتیبه‌های محو شده است که با توجه به باقی ماندن نام حضرت علی (ع) و سنت معمولی که در کتیبه‌های اسلامی دیده می‌شود، اسامی سه خلیفه دیگر از خلفای راشدین بوده است.

در دیواره جنوبی ایوان، محراب زیبایی با تزیینات مقرنس‌کاری و کاشی‌کاری معقلی قرار گرفته که دورتادور آن به خط کوفی بنایی آجری بر زمینه کاشی فیروزه‌ای آبه هفده و بخشی از آبه هجده سوره «آل عمران» نوشته شده است (تصویر ۸). داخل محراب به خط کوفی مرقق از قطعات کاشی فیروزه‌ای «الله اکبر» بر زمینه گچی نوشته شده است. شاید این کتیبه از کهن‌ترین نمونه‌های کاربرد کاشی معرق در تزیین بناها بوده و یا اینکه پیش‌زمینه و

چند پر مشخص شده است. از دیگر اجزای مسجد که در جبهه غربی مابین سردر ورودی اصلی و منتهی‌الیه ایوان غربی واقع شده، مناره آن است (تصویر ۵). این مناره دارای پایه‌ای هشت‌ضلعی و بدنه‌ای مدور است. قسمت‌های باقی‌مانده کمتر از ۱۰ متر ارتفاع داشته و دارای تزیینات زیبای آجرکاری شامل ردیف لوزی‌ها و طرح بازوبند است که با استفاده از تکنیک آجرچینی خفته راسته و آجرچینی پس و پیش با بهره‌گیری از سایه‌روشن نور خورشید و ایجاد حجم به وجود آمده است. مناره دارای دو دستگاه پلکان داخلی برای بالا رفتن و پایین آمدن است. در اینجا چهار ایوان بنا به عنوان ارکان اصلی مسجد مورد شرح و بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- ایوان غربی

این ایوان دهانه‌ای به عرض ۵/۸۰ متر و عمق ۱۲ متر داشته و طرفین آن دو درگاه دو طبقه وجود دارد (تصویر ۶). درگاه‌های پایینی به دو راهروی طرفین ایوان و دو درگاه بالایی به پشت‌بام راه می‌دهند. لچکی‌ها و سطح داخلی لنگه‌طاق درگاه‌ها با نقوش گره‌بندی هندسی آجری شامل شمسه هشت، پنج تند، تریج تند و شش‌بند تند تزیین شده است. اسپرهای عمودی ایوان با یک ردیف نغول ساده و دو ردیف طاق‌نمای جناغی که در لچکی‌ها و سطح داخلی آن نقوش گره‌بندی هندسی آجری شامل شمسه شش، پنج بندی و سرمه‌دان وجود دارد، تزیین گردیده است. در دو نیش ایوان دو نیم‌ستون آجری تزیینی قرار دارد که بینابین آن از قطعات کاشی فیروزه‌ای استفاده شده و قسمت فوقانی آن با نقوش گره‌بندی هندسی تزیین شده و در بالا به دو سرستون

با طاق خوانچه‌پوش و تویزه است که سطح آن با کاربردی‌های زیبایی آجری از نوع پرور تزئین شده است. با توجه به بررسی برخی از محققان کاربردی پرور گونه‌ای از کاربردی است که بیشتر در زمینه‌های مستطیلی با طول زیاد قابل اجرا بوده است (بزرگمهری، ۱۳۸۵، ۴۲).

بر بدنه یکی از تویزه‌های این قسمت، کتیبه و تزئینات گچ‌بری وجود دارد؛ این تزئینات شامل یک لوزی بزرگ است که در وسط آن لوزی کوچک‌تری با نقوش گره‌بندی هندسی واقع شده و پیرامون آن کتیبه کوفی بنایی شامل صلوات بر چهارده معصوم و در چهار گوشه آن چهار لوزی کوچک با اسامی «الله اکبر»، «محمد»، «علی»، «الحکم لله» به خط کوفی بنایی وجود دارد. در زیر این قسمت در یک قاب مستطیل شکل کتیبه‌هایی به خط ثلث بدین مضمون گچ‌بری شده است: «جهد هذا لعماره فی زمان السلطان الهادی الجلیل ابی المظفر السلطان شاه اسماعیل خلد الله» (تصویر ۱۰). قسمت عقبی ایوان جنوبی دارای پوشش خاصی است؛ بدین صورت که طرفین آن با دو کنه‌پوش کم‌خیز، کم‌ریوش شده و فضای میانی آن روباز است. بر بالای این فضا اتاقی واقع شده که در چهار طرف آن پنجره‌های مشبک آجری به همراه دو غرفه وجود دارد. دیواره‌های طرفین ایوان، هر طرف دارای چهار صفا در دو طبقه است که از طریق کم‌ریوش ایجاد شده‌اند. محراب اصلی مسجد، به شکل کاودیار پنج ضلعی در دیوار جنوبی ایوان قرار دارد (تصویر ۹). تزئینات کاربردی و اشکال سوسن و نیم‌سوسن این محراب، با نقوش گل و گیاهی، پیچک‌ها و اسلیمی‌ها، به رنگ‌های سبز، اخراپی، آبی و سیاه تزئین گردیده است.

۳-۳- ایوان شرقی

این ایوان از لحاظ ابعاد، نمای خارجی و شکل کلی با ایوان غربی شباهت بسیاری دارد. پوشش ایوان با طاق و تویزه بوده و در قسمت‌های داخلی آن قطعاتی از کاشی تک‌رنگ به کار رفته است. محراب ساده گچی با تزئینات کاربردی در دیواره جنوبی ایوان تعبیه شده و دورتادور قسمت فوقانی ایوان یک نوار کتیبه‌ای به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشتی لاجوردی وجود دارد که شامل آیه ۳۴ از سوره «نور» است (تصویر ۱۱). این کتیبه به دست محمدباقر شریف شیرازی در سال ۱۲۵۹ ه.ق نوشته شده است. این هنرمند یکی از خطاطان مشهور اصفهان در قرن سیزدهم ه.ق بوده و کتیبه بناهای اصفهان همچون مسجد رکن‌الملک، مسجد امام، مسجد سید،

مقدمه ایجاد آن بوده است. بر قسمت فوقانی درگاه‌ها و محراب یاد شده در دو دیواره شمالی و جنوبی ایوان، نوار تزئینی شامل یک ردیف آجرلوزی و دایره شکل متصل دیده می‌شود که فواصل آن با قطعات گچی آژده‌کاری تزئین شده است. بر بالای این نوار نیز آثار و شواهد نصب کتیبه‌ای به چشم می‌خورد که در حال حاضر اثری از آن باقی نمانده، سایر سطوح داخلی ایوان با تویپ‌های گچی ته‌آجری تزئین شده است. در زوایای انتهایی گوشه‌های جنوبی و شمالی ایوان تزئینات کاشی‌کاری معقلی در قاب‌های مستطیل شکل وجود دارد که دورتادور آن «الله اکبر» و در قسمت داخلی آن اسامی «الله»، «محمد» و «علی» با خط کوفی بنایی نقش گردیده و سطح داخلی آن با طرح کلوک‌بندان و لچکی‌ها با گره‌های هندسی چهارلنگه و طبل‌ها تزئین شده است. در دیوار غربی، رو به فضای خیابان مجاور نیز پنجره مشبک بزرگی از آجر وجود دارد. راهروهای طرفین ایوان غربی با طاق‌های گوناگونی پوشیده شده که از یک طرف بر جرزه‌های ایوان و از طرف دیگر بر ستون‌های چندپر قرار گرفته است. این راهروها به صحن، شبستان ضلع غربی ایوان جنوبی و راهرو ورودی مسجد راه می‌یابند. بر قسمت جانبی و داخلی برخی قوس‌های قرار گرفته بر این ستون‌ها، بقایای تزئینات گچ‌بری از نوع شیرو و شکری شامل پیچک‌ها و اشکال گیاهی دیده می‌شود.

۳-۲- ایوان جنوبی

ایوان جنوبی شبستان اصلی مسجد بوده و دهانه‌ای به عرض ۸ متر و عمق ۹ متر داشته (تصویر ۹) و نمای خارجی ساده‌ای دارد. در اسپرهای ایوان و نقاط اتصال آن به ایوان‌های مجاور، آجرچینی‌های متفاوت پس و پیش دیده می‌شود که حاکی از ساختمان‌سازی‌های دوره‌های متعدد ایوان است. فضای داخلی ایوان شامل دو قسمت می‌شود؛ پوشش قسمت جلویی



تصویر ۹- محراب و نمای داخلی ایوان جنوبی مسجد جامع گز.



تصویر ۸- محراب ایوان غربی مسجد جامع گز.



کتیبه قاجاری ایوان شمالی



کتیبه قاجاری ایوان شرقی

تصویر ۱۱- کتیبه‌های قاجاری مسجد جامع گز.



کتیبه صفوی ایوان شرقی



کتیبه عهد شاه اسماعیل صفوی واقع در ایوان جنوبی

تصویر ۱۰- کتیبه‌های صفوی مسجد جامع گز.

توجه به شباهت بسیار منار از لحاظ شکل و نوع تزیینات با منار سین و قرار گرفتن این دو مکان در یک ناحیه (برخوار) و در فاصله ۳ کیلومتری یکدیگر، تاریخ اواسط قرن ۶ ه. ق. پیشنهاد می‌گردد. نوع آجرچینی‌های سردروردی در سطوح و اشکال متفاوت، ابعاد متفاوت آجرها به همراه نوع تزیینات، نشان دهنده ساختمان سازی سردر در دوره‌های مختلف است. با توجه به شباهت ابعاد آجرها با مناره و سایر قسمت‌های سلجوقی بنا و کاربرد تزیینات آجری و ساختار کلی، قسمت‌های تحتانی سردر احتمالاً به دوره سلجوقی تعلق دارد. مقرنس‌کاری‌های گچی قسمت فوقانی سردر و شیوه رنگ آمیزی آن با رنگ اخراپی، شبیه نمونه‌های بکار رفته در بقاع و مدارس صفوی اصفهان بوده و بر این اساس می‌توان آن را به دوره صفوی نسبت داد. کاشی‌های لچکی سردر، طی مرمت‌های اخیر نصب گردیده با این وجود براساس بررسی‌های پیشین نگارنده، کاشی‌های قدیمی از نوع خشتی بوده و با نقوش اسلیمی تزیین شده بود. نوع رنگ، لعاب و شیوه چسباندن کاشی (استفاده از گچ که موجب طبله‌کردن و فرو ریختن کاشی شده) با کاشی‌کاری‌های دوره قاجاری قابل مقایسه بوده و از این رو می‌توان آن را به دوره قاجاری نسبت داد. در بررسی دوره‌های ساختمانی ایوان‌های چهارگانه، ایوان غربی نسبت به سایر ایوان‌ها از قدمت بیشتری برخوردار بوده و کم‌تر دستخوش تغییر گردیده است. وجود عناصری همچون اسپرها با نغول و طاق‌نماهای مسطح و ستون‌های کوچک در زوایا، با نمونه‌های موجود در بناهای سلجوقی همچون رباط شرف (نیمه اول قرن ۶ ه. ق.)، مسجد جامع اردستان (۵۵۳ ه. ق.)، سردر مسجد امام حسن اردستان، مسجد جامع زواره (۵۵۱-۵۳۰ ه. ق.) و ایوان شرقی مسجد جامع اصفهان (اوایل قرن ۶ ه. ق.) قابل مقایسه است. محراب این ایوان از لحاظ شکل و ترکیب بندی در مقیاسی بزرگ‌تر و با مصالحی متفاوت با محراب‌های موجود در مساجد جامع زواره، اردستان، امامزاده کرار بوزان اصفهان (۵۲۸ ه. ق.) و در مقیاسی هم‌تراز قابل مقایسه با طاق‌نماهای تزیینی موجود در زیر گنبد خواجه نظام‌الملک و ایوان جنوبی مسجد جامع زواره است. از طرف دیگر مقرنس‌کاری این محراب با تلفیق آجر و کاشی با مقرنس‌کاری نعلبکی مناره سلجوقی راهروان اصفهان شباهت کامل دارد. نقوش گره‌بندی آجری با تزیینات آجرکاری به کار رفته در محراب و فضای داخلی و نماهای ایوان، با بسیاری از آثار سلجوقی به ویژه نمونه‌های موجود در قسمت‌های سلجوقی مسجد جامع اصفهان و مسجد جامع اردستان انطباق دارد. توبی‌های گچی ته‌آجری به عنوان یکی از ویژگی‌های مختص دوره سلجوقی (مکی نژاد، ۱۳۸۷، ۱۸۶)، به وفور در تزیینات این ایوان به کار رفته است. این تزیینات در کنار یکدیگر طرح‌های لوزی شکلی را تشکیل می‌دهد که شبیه نمونه‌های سلجوقی مسجد جامع هفتشویه (دوره سلجوقی و ایلخانی) است. از طرف دیگر وجود درگاه‌هایی در دیوارهای طرفین ایوان از ویژگی‌هایی است که در ایوان جنوبی مسجد جامع اردستان نیز دیده می‌شود. ایوان جنوبی جامع اردستان با توجه به مفاد کتیبه آن در دوره سلجوقی به رواق‌های سمت چپ و راست خود اضافه گردیده است (هنرفر، ۱۳۵۰، ۲۱۴-۲۱۵). چنین درگاه‌هایی در ایوان شرقی (دوره

مسجد لبنان، مسجد رحیم‌خان و بقعه شاه سید علی اکبر شهرضا از دیگر آثار او است. در دو گوشه فوقانی دیوار غربی ایوان، در دو شکل لوزی به خط کوفی بنایی مشکی بر زمینه کاشی فیروزه‌ای معرق نوشته شده: «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله» همچنین در زیر کتیبه‌های یاد شده، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی معرق جملات «این بنا از تو ماند در دو عالم ...» «عمل العبد... الی الله الغنی حیدر علی بن ذولفقار المعمار اردستانی سنه ۹۵۲» نوشته شده است (تصویر ۱۰). این استاد از معماران برجسته دوره صفوی بوده و از دیگر کارهای وی می‌توان به بازسازی کامل ایوان شمالی مسجد جامع اردستان در زمان شاه تهماسب صفوی اشاره کرد. در دیوارهای فوقانی سه طرف ایوان، پنجره‌های مشبک آجری وجود داشته و در دیوار پشتی آن که بر صحن تازه‌ساز مسجد مشرف است، کتیبه‌ای به خط نستعلیق بر روی لوحه سنگی بدین شرح وجود دارد: «وقف نمود این حوض... ولد هدایت فی رمضان سنه ۱۰۸۱». احتمالاً این کتیبه در صحن اصلی قرار داشته و در مرمت‌های دهه‌های گذشته در این مکان نصب گردیده است.

۳-۴- ایوان شمالی

این فضا دهانه‌ای به عرض ۸ متر داشته و همانند دو ایوان جنوبی و شرقی اما به شیوه‌ای متفاوت با طاق و تویزه پوشش یافته است. نمای خارجی آن ساده و فاقد هر گونه تزییناتی است. در دیوارهای طرفین ایوان، صفت‌هایی در دو طبقه وجود دارد. بر روی قسمت فوقانی دیواره شرقی ایوان، لوح سنگی دایره شکلی به قطر ۵۰ سانتی‌متر وجود دارد که به خط ثلث دربردارنده اشعار، آیات، احادیث و جملاتی در طلب خیر بانی تعمیرات بنا بوده و در وسط آن نوشته شده: «عمل کربلایی محمد دهقی ۱۳۰۵» (تصویر ۱۱).

۴- گاه‌نگاری و مطالعه تطبیقی بنا

ویژگی‌های ساختمانی، مصالح، شیوه طراحی و کتیبه‌های موجود، نشان دهنده ساختمان سازی مسجد در دوره‌های مختلف است؛ مناره مسجد اگرچه فاقد کتیبه تاریخ‌دار است، منتهی با توجه به مواردی همچون منفرد قرارگرفتن مناره در کنار بنا، شکل، ابعاد، ساختار کلی و نوع تزیین، با بسیاری از نمونه‌های دوره سلجوقی قرون ۵ و ۶ ه. ق. قابل مقایسه است. قسمت‌های باقی مانده مناره از لحاظ شکل با مناره مسجد سین (۵۲۶ ه. ق.) و منار مسجد غار (۵۱۵ ه. ق.) شباهت زیادی دارد. پایه هشت ضلعی از ویژگی‌هایی است که در بسیاری از مناره‌های دوره سلجوقی همچون منار چهل دختران اصفهان (۵۰۱ ه. ق.)، منار مسجد غار (۵۱۵ ه. ق.)، منار مسجد جامع گلپایگان (۴۹۸-۵۱۱ ه. ق.)، میل کرات (دوره سلجوقی) و منار زیار (۶۸۸-۵۵۰ ه. ق.) دیده می‌شود. اشکال تزیینی مناره شباهت بسیاری با تزیینات مناره‌های سین، غار، زیار، گلپایگان، مدرسه دومنار طبس (دوره سلجوقی) و قسمت‌هایی از منار مسجد علی اصفهان (اواخر قرن ۵ ه. ق.) داشته و از لحاظ داشتن دو دستگاه پلکان با منار گلپایگان قابل مقایسه است. براساس موارد یاد شده، تاریخ برپایی منار مسجد گز از اواخر قرن ۵ ه. ق. تا اواسط قرن ۶ ه. ق. است؛ در این بین با

شیوه پوشش قسمت تحتانی ایوان به جلوه گنبدخانه از یک طرف قابل مقایسه با چنین پوششی در مسجد خسرو اردستان (دوره صفوی) بوده و از طرف دیگر یادآور شیوه‌ای است که با شکلی متفاوت پیش‌تر در ایوان قبله مسجد گوهرشاد (دوره تیموری) و به طریق دیگری در صفا عمر (دوره آل مظفر) مسجد جامع اصفهان به کار رفته بود. مصالح، شکل و شیوه‌های تزئینی محراب اصلی این ایوان ویژگی‌های دوره صفوی را نشان می‌دهد؛ به عنوان مثال محراب گچی آن همانند محراب منقوش مسجد جامع ساوه (طه، ۱۳۸۴، ۷۴۰) است که به دوره شاه اسماعیل صفوی تعلق داشته و نقوش اسلیمی تزئینات آن شبیه نقوش قسمت فوقانی ازاره‌های مقبره شاه اسماعیل صفوی (براند، ۲۰۱۳۸۸) در اردبیل است. از طرف دیگر نقوش گل و برگ مورد استفاده در سوسن و نیم‌سوسن‌های محراب با نقاشی‌های روی کاغذ قرن ۱۱ ه. ق. موجود در موزه بریتانیا (کنبی، ۱۳۸۸، ۲۳۶) قابل مقایسه است. دو ایوان شمالی و شرقی مسجد نیز همانند ایوان جنوبی اصالت سلجوقی خود را از دست داده و با توجه به کتیبه‌های موجود در طول دوران حکومت شاه طهماسب اول صفوی و محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار به طور کامل بازسازی شده‌اند. ستون‌های چندپیر موجود در راهروهای طرفین ایوان غربی و همچنین نمونه‌های باقی‌مانده در حد فاصل راهروی جنوبی ایوان شرقی و شبستان شرقی که در اشکال دوپرو و سه‌پره هستند؛ کهن‌ترین سازه‌های این بنا را تشکیل می‌دهد (تصویر ۱۲). این گونه ستون‌ها اشکال گوناگونی را دارا بوده (هیلن براند، ۱۳۷۷، ۵۸۲) و از اختصاصات دوره آل بویه محسوب شده و نمونه‌های مختلف آن در آثار دوره آل بویه از جمله مسجد جامع اصفهان (لاله، ۱۳۷۹، ۲۰۵؛ فریه، ۱۳۷۴، ۸۳)، ساختمان‌های اولیه جامع اردستان و جامع فردوس (پیرنیا، ۱۳۸۷، ۲۷۲) و همچنین مسجد جامع نابین (۳ و ۴ ه. ق.) دیده می‌شود. ستون‌های چندپیر یادشده با نمونه‌های موجود در مسجد بزرگ سامرا (۳ ه. ق.)، مسجد ابن طولون (۳ ه. ق.)، مسجد فهرج یزد (قرن ۱ یا ۴ ه. ق.) و مسجد جامع گلپایگان متفاوت است؛ نمونه‌های اخیر تنها ستون‌های چهارگوشی است که زوایای آنها به شکل نیم‌گرد درآمده و به شکل ستونک‌های توکار، ساختار کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد. در حال حاضر بر نما و سطح تحتانی لنگه‌طاق‌های قرار گرفته

سلجوقی) مسجد جامع اصفهان نیز وجود دارد و با توجه به شواهد مکشوفه از مرمت‌های این مسجد؛ ایوان‌های جنوبی و غربی آن نیز در زمان برپایی - در دوره سلجوقی - از چنین درگاه‌هایی (لاله، ۱۳۷۹، ۲۰۸) بهره‌مند بوده‌اند.

براساس شواهد موجود، طاق ایوان غربی در دوره بعدی (احتمالاً صفوی به بعد) به طور کامل تجدید بنا گردیده؛ در این زمان، پاکار قوس حدود ۱/۵ متر پایین‌تر آورده شده است. تنها آثار باقی‌مانده از طاق اولیه، قسمتی از دو ردیف کتیبه‌ای است که در پاکار قوس این طاق، در زیر لچکی طاق متاخر پنهان گشته و دارای کتیبه‌ای به خط کوفی موزن است. این کتیبه از لحاظ شیوه نگارش با کتیبه‌های آجری مسجد جامع زواره، مسجد جامع اصفهان (گدار، ۱۳۸۵، ۲۸۹)، سردر مسجد امام حسن اردستان و مناره‌های مدرسه دو منار طبس (دانش دوست، ۱۳۷۶، ۴۴) قابل مقایسه است؛ با این وجود برخلاف نمونه‌های یاد شده که از نوع کاشی نقش برجسته لعابی بوده است^۲، نمونه گز تکنیک کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد به این شکل که حروف آجری لعابدار بر زمینه گچی نقش بسته است^۳. به نظر می‌رسد کتیبه فوق از کهن‌ترین نمونه‌های کاربرد این تکنیک در بناهای اسلامی ایران باشد. از دیگر نمونه‌های متاخر کاربرد این سبک کاشی‌کاری، برج مدور مراغه (۵۶۳ ه. ق.) و مسجد جامع اشترجان (۷۱۵ ه. ق.) قابل اشاره است. کاشی‌کاری‌های معقلی به کار رفته در ایوان غربی با توجه به شباهتی که با نمونه‌های صفوی دارد، متعلق به این دوره است. با توجه به مواردی همچون تکرار کاربست سبک چهارایوانی^۴ در مساجد سده ۶ ه. ق. اصفهان همچون جامع اردستان^۵ (شمیلینزکی، ۱۳۸۹، ۳۱۲) و زواره (فریه، ۱۳۷۴، ۸۷)، کتیبه صفوی ایوان جنوبی که نشان می‌دهد این ایوان قبل از دوره صفوی وجود داشته و در این دوره تجدید بنا شده است، رعایت تقارن ایوان شمالی با ایوان جنوبی و ایوان شرقی با ایوان غربی، با قید احتیاط احتمالاً سایر ایوان‌های مسجد گز نیز به دوره سلجوقی تعلق دارد، منتهی در اثر تزئینات و ساختمان‌سازی‌های دوره‌های بعد به ویژه دوره صفوی و قاجار خصوصیات سلجوقی خود را به طور کامل از دست داده‌اند^۶. ایوان جنوبی خصوصیات سلجوقی خود را از دست داده و در دوره شاه اسماعیل صفوی به طور کامل تجدید بنا شده است.



تصویر ۱۵- آثار نمایان شده از ۳ دوره ساختمان‌سازی مسجد جامع گز.



تصویر ۱۴- پیچک‌های گچ‌بری در قالب گل‌های چندپرواقع در مسجد جامع گز.



تصویر ۱۳- پیچک‌های ساده گچ‌بری شده واقع در مسجد جامع گز.



تصویر ۱۲- انواع ستون‌های چندپیر مکشوفه از مسجد جامع گز.

فضای داخلی صحن بوده است.

ابعاد و فرم صحن کوچک و مربع شکل مسجد به عنوان فضای کاملاً باز در ارتباط با ابعاد و فرم سایر اجزای مسجد اعم از فضاهای نیمه باز و بسته چه در منظر افقی و چه در منظر عمودی تناسب فوق العاده‌ای دارد. هر کدام از ایوان‌های روبه روی صحن، در ارتفاع، نما، الحاقات و تا حدودی ابعاد و احجام به طور کامل با یکدیگر قرینه است. راهروهای طرفین ایوان‌های شرقی و غربی به همراه درگاه طبقه دوم آنها جهت ورودی و خروجی، تنظیم دسترسی‌ها، تنظیم نما و حفظ تناسب کلی بنا و ایوان‌ها ایجاد شده‌اند. عدم گسیختگی و هم‌سانی نماها و همچنین مرکزیت صحن در زمین مسجد در کنار تناسب، تعادل و تقارن یاد شده که بیش از هر چیز انسجام و انتظام فضایی بنا را نشان می‌دهد باعث شده این صحن با وجود کوچکی بسیار در مقایسه با نمونه‌های شاخص دوره سلجوقی اصفهان همچون مسجد جامع اصفهان با صحن باز و گشاده، مسجد جامع اردستان با صحنی متوسط و خوش تناسب و مسجد جامع زواره با صحنی بسیار تنگ (فریه، ۱۳۷۴، ۸۷)، بسیار زیبا و خوش ترکیب بوده و در نتیجه آن، احساس سکون و آرامش خاصی در بیننده ایجاد شود. عدم وجود گنبدخانه در مقایسه با سایر مساجد هم‌دوره این مسجد چه در مقیاس‌های کلان همچون جامع اصفهان و جامع اردستان که گنبدخانه یکی از اجزای اصلی آنها بود و چه در مقیاس خرد همچون مسجد سین و مسجد برسیان که گنبدخانه اصلی‌ترین و یا شاید تنها قسمت مسجد را تشکیل می‌داد، از موارد قابل توجه در این مسجد است. شاید در نتیجه درهم تافتگی بنا با بافت شهری پیرامون، عدم دید از صحن کوچک بنا، وجود مناره‌ای رفیع که در نمایش بصری مسجد به عنوان فضای مقدس تاثیر شایسته‌ای داشت، محدود بودن امکانات و قرارگیری مسجد در سکونت‌گاهی کوچک و تا حدودی روستایی و تاثیرگذاری سنت‌های محلی، وجود گنبدخانه در این بنا ضروری تشخیص داده نشده است؛ با این وجود در راستای تقویت فضای مقدس محراب و همچنین ایجاد تفاوت و تمایز با سایر ایوان‌ها، فضای انتهایی ایوان جنوبی به شیوه‌ای که جلوه گنبدخانه یافته پوشیده شده است. معمار علاوه بر مسائل فوق به طریقی هوشمندانه جنبه کاربردی نیز به فضای مذکور داده؛ به طوری که با ایجاد شبک‌های طرفین، از آن به عنوان بادگیر در راستای تهویه و خنک‌سازی و همچنین نوردهی فضای مقابل محراب استفاده کرده است. به هر حال آن گونه که مشخص است محدود شدن کل فضای هر ضلع صحن به یک ایوان و عدم وجود گنبدخانه مستقل در سمت قبله این مسجد، صرف‌نظر از این‌که تحت تاثیر کدام علل و عوامل و منطق وجودی شکل گرفته، نشان‌دهنده سبک ویژه و متفاوت مسجد جامع گز در میان مساجد هم‌عصر سلجوقی و به ویژه مساجد سلجوقی ناحیه اصفهان بوده است. حتی در دوره‌های بعد تاریخ معماری ایران نیز با وجود آن‌که عدم وجود گنبدخانه پدیده غیر معمولی در مساجد چهارایوانی ایرانی نبوده و از معماری هر عصر مثال‌های متعددی از این گونه قابل ذکر است، مسجدی با مشخصات کامل سبک مسجد جامع گز،

بر ستون‌های چندپراهره‌های طرفین ایوان غربی، آثار تزیینات گچ‌بری باقی‌مانده که از لحاظ نقش‌مایه به دو دسته تقسیم می‌شود؛ یکی پیچک‌های تزیینی ساده که در نمای لنگه‌طاق‌ها به کار رفته (تصویر ۱۳) و دیگری پیچک‌های تزیینی در قالب گل‌های چندپیر (تصویر ۱۴) که قسمت تحتانی لنگه‌طاق‌ها را تزیین می‌نماید. نقوش دسته اول از نظر تکنیک، نوع نقش‌مایه و مکان کاربرد با نمونه‌های مسجد جامع اردستان (گدار، ۱۳۸۴، ۱۰۸) که به مسجد قرون ۲ تا ۴ ه.ق نسبت داده شده‌اند (آیت الله زاده شیرازی، ۱۳۵۹، ۱۷)، شباهت کاملی دارد و تزیینات دسته دوم از لحاظ نوع کادربندی نمونه ساده‌ای از گچ‌بری‌های مسجد جامع نایین (پوپ، ۱۳۸۷، ۲۶۵) و قابل مقایسه با آن است. شاید بتوان گچ‌بری‌های سبک C سامرا را نمونه‌های متقدم نقش‌مایه‌های دسته اول دانست. تداوم این نقوش در آثار قرن ۵ ه.ق همچون بقعه دوازده امام یزد (پوپ، ۱۳۸۷، ۲۷۳) و مسجد پامنار زواره نیز دیده می‌شود. از نمونه‌های اولیه گچ‌بری‌های دسته دوم که در کارهای گچی دوره ساسانی ریشه دارد، می‌توان به گچ‌بری‌های مکشوفه از حفریات موزه متروپلیتن در نیشابور که به قرن دوم ه.ق تعلق دارد (سجادی، ۱۳۷۴، ۲۰۲) اشاره کرد. تاریخ‌گذاری شبستان‌های مسجد با توجه به عدم وجود مشخصه‌های معماری و تزیینی خاص تا حدودی مشکل است؛ با این وجود تفاوت ابعاد، نوع پوشش و قوس دهانه‌ها، قرار نگرفتن آنها در یک راستا به نسبت یکدیگر و ایوان جنوبی و بقایای ستون‌های چندپیر در یک ضلع آنها از یک طرف حاکی از تقدم شبستان‌های ستون‌دار بر ساختمان ایوان بوده و از طرف دیگر دست‌کم نشان‌دهنده سه دوره ساختمانی در آنها بوده (تصویر ۱۵) که احتمالاً با دوره‌های آل بویه، سلجوقی و صفوی - قاجار بنا تطابق دارد.

۵- تحلیلی بر شیوه طراحی و سبک بنا

صرف‌نظر از سیر تحول تاریخی بنا و تغییر شیوه معماری مسجد از سبک ستون‌دار به سبک چهارایوانی، فضاهای برجای مانده مسجد جامع گز، بیشتر سبک ساختمانی مسجد سلجوقی را نمایان می‌سازد و از این رو ناگزیر در تحلیل فرم و ساختار بنا، ویژگی‌های سبک‌شناختی مسجد این عهد مورد نظر بوده است. با وجود ساختمان‌سازی‌های دوره‌های مختلف بنا، با درنظر گرفتن عواملی همچون ریتم، تقارن، تضاد، تعادل و مردم‌واری؛ هماهنگی خاصی در فرم و نظم هندسی این اثر دیده می‌شود. ورودی اصلی در نزدیک‌ترین مسیر به صحن و کنار مناره قرار گرفته تا با بهره‌گیری از تاثیر بصری مناره به بهترین شکل کارکرد خود به عنوان مدخل بنا را نمایان سازد. نحوه ورود به صحن و نوع طراحی آن از یک طرف در راستای رسیدن به اصل محرمیت و خلوت درون و انقطاع از فضای پرهیاهوی بیرون و حصول آرامش و سکون بوده و از طرف دیگر با عبور از فضای کم ارتفاع و نسبتاً تاریک راهروی ورودی به فضای پرنور، روشن و متناسب صحن، تضاد نور ایجاد کرده که نتیجه آن جذابیت، پویایی و تحرک

مختلف مذهبی قرون متقدم و میانی از مسجد بوده باشد؛ به نظر می‌رسد این مسئله بیشتر در ساختمان سازی‌های دوره‌های اولیه مسجد ریشه داشته است. آجرهایی به ابعاد گوناگون، اصلی‌ترین ماده سازنده این بنا است که نه تنها در نقش سازه‌ای در مقاطع باربر همچون جرزها، ستون‌ها و مناره به کار رفته، بلکه جهت تزیین بنا نیز به وفور مورد استفاده قرار گرفته است. خشت از دیگر مصالحی است که به شکلی محدود عمدتاً به عنوان زیرکار دیوارهای آجری غیر باربر استفاده شده است. کاربرد کلاف‌های چوبی به شکل افقی در قسمت‌های مختلف بنا دیده می‌شود. قرار گرفتن تیرهای چوبی از یک طرف مانع نشست دیوارها شده و از طرف دیگر با قرار دادن آنها در پا کار قوس تا زمان خشک شدن و خودگیری کامل سقف، نیروهای کششی وارده را تحمل کرده و مانع تغییر شکل دهانه قوس می‌شده‌اند.

ثبت نگردیده است. شیوه ترکیب‌بندی چهار ایوان این مسجد، یادآور طرح چلیبایی به عنوان یکی از اسلوب کهن معماری ایرانی است؛ طرحی که بی‌گمان در عرصه‌های مذهبی و حکومتی معماری دوران ساسانی نمود بارزی داشت. از نزدیک‌ترین نمونه‌های مشابه این سبک در مقیاس و کاربرد کاملاً متفاوت و متمایز، خانه‌های مسکونی موسوم به چهارصفه است؛ این سبک خانه‌سازی به دوران قبل از اسلام رسیده و بیشتر مختص نواحی مرکزی ایران بوده و تا چند دهه پیش کماکان مورد استفاد بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۲، ۱۶۵-۱۶۶). منتهی در گز برخلاف نمونه‌های مذکور، حیاط وسط به جای داشتن پوشش گنبدی، روباز است. وجود محراب‌های متعدد در این مسجد همانند بسیاری از مساجد کهن می‌تواند در نتیجه ساختمان‌سازی دوره‌های متعدد بنا، عبادت خصوصی و از طرفی بهره‌گیری فرقه‌های

نتیجه

متفاوت با سایر مساجد سلجوقی ناحیه اصفهان ایجاد می‌گردد. با توجه به قرارگیری گز در مسیر شاهراه اصفهان - ری و همچنین رواج فوق العاده مناره‌سازی در دوره سلجوقی، همزمان با تبدیل مسجد به سبک چهارایوانی، مناره‌ای نیز بدان اضافه گشته تا از یک طرف عملکردهای خاص خود را داشته باشد و از طرف دیگر راهنمایی برای مسافران باشد. با توجه به آغاز رواج سبک چهارایوانی ساختمان مساجد از اواسط قرن ۵ ه. ق، ساخته‌های سلجوقی مسجد به احتمال زیاد در اواسط قرن ۵ ه. ق انجام گرفته است. در ارتباط با الحاقات و ساختمان‌سازی‌های بنا در فاصله قرون ۶ تا ۹ ه. ق اطلاعی در دست نیست. در دوران صفوی با توجه به اهمیت راهبردی گز که از یک طرف متناثر از قرارگیری آن در مسیر شاهراه شمال - جنوب و از طرفی ناشی از همجواری با پایتخت صفوی بود و با در نظر گرفتن مرکزیت گز در ناحیه برخوردار در کنار سیاست کلی این دوره در توجه به بناهای مذهبی همانند بسیاری از مناطق؛ تزیینات و تعمیرات اساسی در بنا صورت می‌گیرد؛ تعمیرات و ساختمان‌سازی‌هایی که به دستور مستقیم شاهان صفوی و به دست معماران توانمند این دوره انجام گرفته است. روند تعمیرات و تزیینات مسجد در دوره قاجار نیز تداوم داشته و از دهه‌های گذشته تا به امروز نیز ساختمان‌های متعددی به بنا الحاق گردیده است.

بر اساس آثار مشهود، نخستین پی‌ریزی مسجد جامع گز به قرون ۳ تا ۴ ه. ق یا حداقل قرن ۴ ه. ق بر می‌گردد؛ زمانی که اصفهان تحت سلطه آل بویه از آرامش و ثبات سیاسی و اجتماعی خاصی برخوردار بوده است. با توجه به بقایای اندک مسجد این دوره و عدم انجام کاوش‌های باستان‌شناسی، در رابطه با جزئیات طرح و پلان آن نمی‌توان به طور قطع و یقین نظری داد اما با توجه به این‌که مساجد ستون‌دار، سبک غالب مسجدسازی ایران در این دوره (قرون ۳ و ۴ ه. ق) محسوب می‌شده و مساجد جامع اصفهان، اردستان و نایین به عنوان نمونه‌های شاخص این زمان ناحیه اصفهان از سبک ستون‌دار برخوردار بوده‌اند و همچنین پراکندگی ستون‌های باقی‌مانده در سطح بنا، به نظر می‌رسد مسجد اولیه از نوع مساجد ستون‌دار بوده است. با توجه به مطالب متون جغرافیایی متقدم و منابع مکتوب تاریخی، گز به عنوان یکی از مراکز اصلی برخوردار در قرون ۳ و ۴ ه. ق با داشتن مسجدی جامع با منبر و خطیب، اهمیت شهری داشته و یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مساجد برخوردار را در خود جای می‌داده است. ساخت و سازهای اصلی مسجد عمدتاً در دوره سلجوقی انجام گرفته، در این زمان با برداشتن پاره‌ای از ستون‌های مسجد دوره آل بویه، چهار ایوان به طور همزمان در اضلاع چهارگانه صحن ساخته شد و مسجدی چهارایوانی با سبک ویژه و

پی‌نوشت‌ها

هندسی بعد از اتصال به یکدیگر به شکل وارونه بر سطح صافی قرار گرفته و آن‌گاه با ریختن ملاط گچ بر روی آن، قطعاتی آماده جهت نصب به وجود می‌آورده‌اند. ۴ سبک چهارایوانی مساجد که بنا بر نظر محققان در نتیجه عوامل گوناگون (فریه، ۸۷، ۱۳۷۴؛ اتیگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۱، ۳۷۹؛ گرابر، ۱۳۸۸، ۱۰۰؛ لاله، ۱۳۷۹، ۲۰۸) برای اولین بار در مسجد جامع اصفهان (احتمالاً ربع اول قرن ۵ ه. ق) به وجود آمد، یکی از شیوه‌های اصلی مسجدسازی دوره سلجوقی می‌گردد (فریه، ۱۳۷۴، ۸۷). ۵ در ارتباط با تاریخ چهارایوانی شدن مسجد جامع اردستان نمی‌توان به

۱ لازم به ذکر است که این مسئله تنها در قرون اولیه اسلام اعتبار داشت (نرشخی، ۲۰۱۳۶۲) و از آن به بعد حتی روستاهای کوچک نیز مسجد جامع و خطیب داشتند (حبیبی، ۱۳۸۰، ۴۵).

۲ در این شیوه که در دوره سلجوقی کاربرد گسترده‌ای داشت، بعد از ایجاد حروف کتیبه بر روی خشت خام، خشت را در کوره حرارت داده و آن‌گاه بعد از لعاب دادن سطح حروف، برای دومین بار در کوره حرارت داده می‌شد.

۳ در این تکنیک ابتدا قطعات کاشی شامل حروف کتیبه و یا اشکال

۲۵. صص ۱۹۴-۲۱۴.

سلطان زاده، حسین (۱۳۶۵)، *مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، انتشارات آبی، تهران.

شرودر، اریک (۱۳۸۷)، *دوره سلجوقی*، سیری در هنر ایران، زیر نظر آرتور پوپ و فیلیس اکرم، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، جلد ۳: معماری دوران اسلامی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

شکوری، یداله (۱۳۵۰)، *عالم آرای عباسی*، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

شمینیزی، سرگتی (۱۳۸۹)، *معماری آسیای مرکزی و آسیای صغیر؛ سلجوقیان کبیر، سلجوقیان آناتولی و خوارزمشاهیان*، معماری اسلامی، به کوشش اولک گرابار و دیگران، ترجمه اکرم قیطاسی، انتشارات سوره مهر، تهران. فریه، دلبلیو (۱۳۷۴)، *درباره هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات فرزاد، تهران.

کروسینسکی، تادوز یودا (۱۳۶۳)، *سفرنامه کروسینسکی*، ترجمه عبدالرزاق دنبلی، با مقدمه و تصحیح مریم میراحمدی، انتشارات توس، تهران.

کنی، شیدا (۱۳۸۸)، *هنر و معماری صفویه*، ترجمه مزدا موحد، انتشارات موسسه ترجمه و نشر آثار هنری، تهران.

کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۵)، *شهرهای اسلامی*، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، انتشارات هما، تهران.

گدار، آندره و دیگران (۱۳۸۴)، *آثار ایران*، ترجمه ابوالحسن سرود مقدم، جلد ۴، چاپ ۴، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.

گدار، آندره و دیگران (۱۳۸۵)، *آثار ایران*، ترجمه ابوالحسن سرود مقدم، جلد ۱، چاپ ۴، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.

گلیجانی مقدم، نسرین (۱۳۸۶)، *تاریخ شناسی معماری ایران*، دانشگاه تهران، تهران.

گرابر، اولک (۱۳۸۸)، *مسجد بزرگ اصفهان*، ترجمه محمد علی موسوی فریدنی، انتشارات مانی، اصفهان.

گیلاننیز، پطرس دی سرکیس (۱۳۴۴)، *سقوط اصفهان: گزارشهای پطرس دی سرکیس گیلاننیز*، ترجمه و حواشی محمد مهربار، انتشارات شهریار، اصفهان.

لاله، هایده (۱۳۷۹)، *اصفهان مسجد جامع*، دایره المعارف بزرگ اسلام، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۹، انتشارات مرکز دایره-المعارف بزرگ اسلامی، تهران، صص ۲۰۱-۲۱۲.

لاکهارت، لارنس (۱۳۴۳)، *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران*، ترجمه مصطفی قلی عماد، [بی نا]، تهران.

طه، ولی (۱۳۸۴)، *محراب*، هنر و معماری مساجد، به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون های فرهنگی و هنری مساجد، ترجمه سعید سید حسینی، جلد ۱، انتشارات رسانش، تهران.

مکی نژاد، مهدی (۱۳۸۷)، *تزیینات معماری*، انتشارات سمت، تهران.

مستوفی، حمدالله بن ابی بکر بن محمد بن نصر مستوفی قزوینی (۱۳۶۲)، *نزهة القلوب*، به اهتمام و تصحیح گای لسترنج، انتشارات دنیای کتاب، تهران.

نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۶۲)، *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمد بن نصرالقبادی، تصحیح مدرس رضوی، چاپ ۲، انتشارات توس، تهران.

هدایت، رضاقلی خان (۱۳۷۳)، *فهرس التواریخ*، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

هنرفر، لطف الله (۱۳۵۰)، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، چاپ ۲، ثقفی، اصفهان. یاقوت حموی، شیخ شهاب الدین (۱۹۵۷)، *معجم البلدان*، الجلد الثانی و الجلد الثالث، انتشارات دارصادر و داربیروت، بیروت.

یاقوت حموی، شیخ شهاب الدین (۱۳۸۰)، *معجم البلدان*، ترجمه دکتر علی نقی منزوی، جلد ۱، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۴۳)، *البلدان*، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

یورینا، محمد کریم (۱۳۸۲)، *آشنایی با معماری اسلامی ایران*، تدوین غلامحسین معاریان، چاپ ۷، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

حیبی، سید محسن (۱۳۸۰)، *از شار تا شهر*، چاپ ۳، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

دانشدوست، یعقوب (۱۳۷۶)، *طبس شهری که بود: بناهای تاریخی طبس*، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و سرورش، تهران.

سجادی، علی (۱۳۷۴)، *گنجبری در معماری اسلامی ایران*، مجله اثر، شماره

طور قطع و یقین نظر داد؛ آندره گدار با توجه به متن کتیبه ایوان جنوبی که قطعاً به دوره سلجوقی تعلق دارد چنین نتیجه گیری کرده که سه ایوان دیگر نیز در این دوره ساخته و در دوره های بعد تجدید ساختمان و تعمیر شده اند (گدار،

۱۳۸۴، ۱۱۱-۱۱۶؛ شرودر، ۱۳۸۷، ۱۲۰۲). با این وجود محققانی همچون اریک

شرودر و مرحوم باقر آیت الله زاده شیرازی با توجه به قرائت صحیح این کتیبه و پاره ای دلایل دیگر معتقدند سایر ایوان ها در دوره های بعد از سلجوقی ساخته

شده است (شرودر، ۱۳۸۷، ۱۲۰۲-۱۲۰۳؛ آیت الله زاده شیرازی، ۱۳۵۹، ۱۰-۱۳). ۶

اظهار نظر قطعی در این مورد منوط به انجام حفاریات باستان شناسی است. بنا به گفته حجت الله ذکاوت مند مسئول مرمت مسجد جامع گز، در

گودبرداری کف ایوان شمالی به آثار یک دیوار خشتی برخورد شده که با توجه به کمبود اطلاعات نمی توان به طور قطع در رابطه با آن اظهار نظری نمود.

فهرست منابع

قرآن کریم

آیت الله زاده شیرازی، باقر (۱۳۵۹)، *مسجد جامع اردستان واقع در مرکز محله محال اردستان: مساجد جامع اولیه - منطقه اصفهان*، مجله اثر، شماره ۱، صص ۶-۵۱.

ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۳۶۶)، *صورة الارض*، ترجمه و توضیح جعفر شعار، جلد ۲، انتشارات امیر کبیر، تهران.

ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله (۱۳۷۰)، *مسالك والممالك*، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، [بی نا]، تهران.

ابن رسته، احمد بن عمر رسته (۱۳۶۵)، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه و تعلیق دکتر حسین قره چانلو، انتشارات امیر کبیر، تهران.

ابن فقیه، ابی بکر احمد بن محمد (۱۳۴۹)، *ترجمه مختصر البلدان* (بخش مربوط به ایران)، ترجمه ح- مسعود، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

ایتیگهاوزن، ریچارد و اولک گرابار (۱۳۸۱)، *هنر و معماری اسلامی (۱)*، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات سمت، تهران.

احمدی، عباسعلی (۱۳۸۵)، *بررسی کاروانسراهای ناحیه شمال اصفهان*، مجله اثر، شماره ۴۰ و ۴۱، صص ۷۲-۹۵.

اصفهان، حمزه بن حسن (۱۳۴۶)، *تاریخ پیامبران و شاهان*، ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷)، *مرآت البلدان ناصری*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، جلد های ۱ و ۴، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

الاصفهان، محمد مهدی بن محمد رضا (۱۳۶۸)، *نصف جهان فی تعریف اصفهان*، به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات امیر کبیر، تهران.

براند، هیلن (۱۳۸۸)، *مقبره شاه اسماعیل اول در اردبیل*، هنر و معماری صفویه، به کوشش شیدا کنی، ترجمه مزدا موحد، انتشارات موسسه ترجمه و نشر آثار هنری، تهران.

براند، هیلن (۱۳۷۷)، *معماری اسلامی*، ترجمه ایرج اعتصام، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

بزرگمهری، زهره (۱۳۸۵)، *هندسه در معماری*، انتشارات سبحان نور و سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

پردولاماز (۱۳۷۰)، *گزارش سفر پردولاماز از شماخیه به اصفهان*، نامه های شگفت انگیز کشیشان فرانسوی در دوران صفوی و افشاری، ترجمه بهرام فره

وشی، انتشارات مؤسسه علمی اندیشه جوان، تهران.

پوپ، آرتور و فیلیس اکرم (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران*، جلد ۸: معماری دوران اسلامی، ترجمه نجف دریا بندری و دیگران، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

پیرینا، محمد کریم (۱۳۸۷)، *معماری ایرانی*، تدوین غلامحسین معاریان، انتشارات سروش دانش، تهران.

پیرینا، محمد کریم (۱۳۸۲)، *آشنایی با معماری اسلامی ایران*، تدوین غلامحسین معاریان، چاپ ۷، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

حیبی، سید محسن (۱۳۸۰)، *از شار تا شهر*، چاپ ۳، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

دانشدوست، یعقوب (۱۳۷۶)، *طبس شهری که بود: بناهای تاریخی طبس*، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و سرورش، تهران.

سجادی، علی (۱۳۷۴)، *گنجبری در معماری اسلامی ایران*، مجله اثر، شماره

Sirox, M. (1967), *Trois Monuments Inconnus De L, Iran Ancien, Iranica Antiqua*, Volumen VII, pp. 82-98.

Wilber, Donald N. (1955), *The Architecture of Islamic Iran: The Il-Khanid Period*, Greenwood Press, New York.